Theories and criticism in Arabic literature
The Second Year, Issue 6, 1401
Pp:1-26
Research Paper
DOI: 10.22034/JRAL.2024.491866.1047

A Comparative Study on vision and artistic features of Forough Farrokhzad and Blaga Dimitrova

Asrin Fakhr[1]

(Received:10.12.2022, Accepted 23.07.2023)

Abstract

Forough Farrokhzad is a well-known poet, the owner of a style and has a special poetic language, she has addressed topics in her poetry that convey her personal emotion to the general audience and inspire him to come together; Themes such as death and decay and life, freedom and rebirth are the most frequent poetic themes of Forough, which also form the most important and fundamental themes of the contemporary poet and her Bulgarian counterpart, Blaga Dimitrov. A comparative-analytical study of thoughts, themes and characteristics of Forough Farrokhzad's poetry with Blaga Dimitrov's (Bulgarian poet) is the subject of the present research. The present research was conducted in a comparative way. There has been a review of the thought, insight, works and features of the two poets' poetry. At the end of this research, the similarities and differences of the poems of two poets have been compared and the results obtained from the upcoming research have been presented.

Key words: Forough Farrokhzad, Blaga Dimitrova, poetic language, symbolization, Unity of human thoughts.

[1]Assistant. Professor, Department of English Literature, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran. Dr_fakhr09@yahoo.com

التنظيرات والنقد فی الادب العربی
السنة الثانية، العدد ٦، ١٤٠١
صص ٢٦-١

مقاله پژوهشی

DOI: 10.22034/JRAL.2024.491866.1047

بررسی مقایسه ای بینش و ویژگی های هنری فروغ فرخزاد و بلاگا دیمیتروا

ئاسرین فخر[1]

(تاریخ دریافت: ۱۹/ ۰۹/ ۱۴۰۱ ، تاریخ پذیرش: ۰۱/ ۰۵/ ۱۴۰۲

چکیده

فروغ فرخزاد شاعری صاحب نام، صاحب سبک و دارای زبان خاص شعری است و به مضامینی در شعرش پرداخته است که حتی مخاطب عام را برمی انگیزاند؛ مضامینی مانند مرگ و زوال و زندگی، آزادی و تولد دوباره، پرتکرارترین مضامین شعری فروغ هستند که مهمترین و بنیادیترین مضامین شعر شاعر هم عصر و همتای بلغاری او، بلاگا دیمیتروا را نیز تشکیل می دهند. موضوع پژوهش پیش رو، بررسی مقایسه ای- تحلیلی اندیشه ها، مضامین و ویژگیهای شعر فروغ فرخزاد با شعر بلاگا دیمیتروا (شاعر بلغاری) می باشد. پژوهش حاضر که به شیوه ی تطبیقی انجام گرفته ،مروری بر اندیشه، بینش، آثار و ویژگیهای شعر دو شاعر و پرداختن به شباهتها و تفاوتهای آن است. از اهداف این پژوهش می توان به بازنمودن مشترکات و جنبه های متفاوت اندیشه و جلوه های شعری دو شاعر، بیان ویژگیهای مشترک و متمایز ادبیات ملتها و مفهوم وحدت اندیشه بشری با بررسی مقایسه ای این دو اشاره نمود. این پژوهش به روش استقرایی و براساس تحلیل محتوا انجام شده است. بدین منظور نخست مقالات و یادداشتهایی که درباره هر دو شاعر نوشته شده مورد مطالعه و بررسی تطبیقی قرار گرفت و از مطالبی که به بررسی اندیشه و شعر این دو شاعر مربوط می شود، یادداشت برداری شد و از آنجا که مطالب فارسی درباره بلاگا بسیار اندک بود، از یادداشتها و مطالبی به انگلیسی نیز استفاده شد. سپس با مطالعه و تحلیل اشعار این دو شاعر و تلاش در فهم درست آن ها به مقایسه پرداخته و شباهتها و تفاوتها را برشمردیم.

واژه کلیدی: فروغ فرخزاد، بلاگا دیمیتروا، زبان شعری، نمادپردازی، وحدت اندیشه بشری.

[1]. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه کوثر بجنورد، دانشکده علوم انسانی، بجنورد، ایران. ایمیل Dr_fakhr09@yahoo.com.

مقدمه

بلاگا دیمیتروا (۲ژانویه ۱۹۲۲ –۲ می ۲۰۰۳) از مشهورترین شاعران بلغارستان و ادبیات اروپای شرقی است. این شاعر در سراسر آثار هنری خود، به خوبی تصویرگر دگرگونیهای گسترده و ژرف روان و جان انسان در جوامع درگذار از تحولات سیاسی و اجتماعی است؛ دگرگونیهایی که روان و جان آدمی را سخت تنها می کند. شعر بلاگا از منظر لحن، فضا و تأثیر بر مخاطب، دوسویه دارد؛ گاه اندوه بار و غمزده، منفعل و مأیوس است و گاه زنده، جاری، رونده و امیدوار. صدای او صدای ملتی است که برای آزادی، منقلب است. دیمیتروا در ادبیات بلغارستان، به غزلسرای ملی مشهور است اما او شعر آزاد هم کم ندارد و در این اشعار، نیز مضامین گوناگونی را به تصویر میکشد. این سوی جهان، فروغ فرخزاد در ادبیات معاصر فارسی نیز پس از یک دوره غزل سرایی و سرودن از عشق و آزادی و لذات جسمی و مسائل فردی ،به افق های تازه ای روی می گرداند و به سرودن مضامینی فراتر از فرد در قالب های آزاد شعری می گراید. او در مدت زمان کوتاهی، شاعری از خود میسازد که حیرت همگان را برمی انگیزد. فروغ و بلاگا هردو شاعر و فیلمسازند و درد مشترک انسان را به خوبی ادراک کرده و به تصویر می کشند؛ حال با هر ابزار بیان و رسانه ای که باشد. اگرچه این دو شاعر در یک دوره زمانی میزیسته اند، اما در دو فرهنگ و جامعه بسیار متفاوت زیسته اند؛ بنابراین مقایسه اشعار آنها ارزش و اهمیت ادبی ویژه ای دارد؛ زیرا هر دو شاعر، زبانی روشن، ساده و عاطفه و تخیلی قوی دارند و هر دو، با مضامینی خاص به ستیز با موانعی بر می خیزند که سد راه فردیت انسان است. بلاگا و فروغ از مرگ و زندگی بسیار گفته اند و در رویارویی مرگ و زندگی و بیان روابط این دو در شعرشان، به نظاره زایش هنر و هویت خویش ایستاده اند. مطالعه و خوانش دقیق مضامین مشترک و متمایز شعر این دو شاعر، نشان می دهد که چگونه این مضامین به خلق جهان شاعری این دو هنرمند و ظهور شخصیت مؤثر هنری آنها انجامیده است. به نظر می رسد که

این دو شاعر، اشتراکاتی با یکدیگر دارند؛ چرا که هر دو زن هستند، هر دو در یک زمان زیسته اند، هر دو ناقدان فرهنگ، جامعه و سیاست بوده اند، هر دو با بیم و امید دست و پنجه نرم کرده اند و این موضوع را در شعرشان بازتاب داد ه اند؛ اگرچه از دو سرزمین دور و از شرق و غرب زمین برخاسته اند، حاصل کارشان بسیار شبیه یکدیگر است. ادبیات تطبیقی ویژگیهای مشترک و متمایز ادبیات ملتها را بر می شمرد و در تلاش است تا با بررسی و مقایسه میان دو شاعر، وحدت اندیشه بشری را بیابد؛ چرا که درد و صدای مشترک انسانها می تواند نشانگر نزدیکی و یگانگی ناخودآگاه بشری باشد. بررسی ها و پژوهش های انتقادی بسیاری تنها بر مضامین مرگ، یأس و نومیدی در اشعار فروغ انجام شده است اما بسیاری از وجوه و بنمایه های شعر فروغ، هنوز به خوبی شناخته نشده و مغفول مانده اند. «اگر بخواهیم شاعران طراز اول شعر فارسی را از بدو پیدایش تاکنون، به اعتبار سبکهای مختلف شعر فارسی برشماریم، بدون شک ناگزیر به اقرار این حقیقت خواهیم شد که چند تن از بزرگان شعر فارسی در قرن حاضر میزیسته اند و یکی از ایشان فروغ فرخزاد است» (شمیسا، ١٣٧٤: ١٦-١٥)؛ همین اهمیت شعری فروغ ایجاب می کند که پیوسته لایه های نامکشوف و مشترکات نامعلوم شعر او با ادبیات جهان - چه متمرکز بر شعر خودش و چه به صورت مقایسه ای- مورد بررسی قرار بگیرد. از آغاز پیدایش انسان و در سراسر تاریخ زندگی بشر، موضوعاتی هست که همراه آدمی و دغدغه فکری او بوده است و «ارکان و رشته های ناپیدای حیات و هستی، وابسته بدانان است؛ چون: عشق، مرگ، پیری، بدی، خوبی، زشتی ،... و متفرعات چندی که بر گرد همین مقولات می چرخند؛ چون: شادی، تلاش، مقاومت و... اما همین اصول و فروع در نظام های متفاوت فکری و در زمانهای مختلف، نه فقط مضامین ثابت و یکسانی ندارند که گاه حتی متضمن مفاهیم متضاد نیز می شوند؛ مثلاً مرگ، مهمترین مشغله ذهن بشر که در یک نظام فکری به معنای پایان

هستی است، در نظام فکری دیگر به معنی آغاز زندگی حقیقی است...» (شمس لنگرودی، ۱۳۷۰، ج۱، ۱۱۰).

در شعر معاصر ایران، به ویژه حوالی سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳٤۰ که سالهای کودتاست و پس از آن، مایه ها و نمایه های مرتبط با مرگ و زوال، جلوه ای خاص دارد: «مسائل اصلی و دورنمایی های تازه ای که در قلمرو شعر این دوره عرضه می شود، بیش و کم عبارتند از مسأله مرگ و مسأله یأس و ناامیدی عجیبی که بر شعر این دوره حاکم است. غالباً شعرا به مرگ می اندیشند و اصولاً یکی از درونمایه های اصلی شعر این دوره، مسأله اندیشیدن شاعران به مرگ و حتی ستایش مرگ و ناامیدی عجیب و غریبی است...» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ٦۱). در این پژوهش پس از ارائه شناخت نامه مختصری درباره دو شاعر و مروری بر ویژگیهای شعری شان، زبان شعری این دو شاعر از منظر سادگی و روشنی زبان، شیوه خیال پردازی، تصویرآفرینی و نماد پردازیها بررسی شده است.

بررسی اندیشه و ویژگی های شعری متاثر از نوع تفکر دو شاعر

در گستره‌ی ادبیات ملل، شاعران و نویسندگانی که هم‌زمان و یا در زمان‌های متفاوت زیسته اند، از سبک ادبی یکدیگر و یا سبک ادبی رایج زمان خویش، تأثیر پذیرفته‌اند. این تأثیرپذیری گاه به‌طور مستقیم و گاه غیرمستقیم و به واسطه رواج نوع خاصی از مکتب‌های ادبی و نگرش‌های خاص شعری در سراسر جهان صورت گرفته است. شباهت‌های شیوه تفکر و اندیشه نیز گاهی سبب ساز همسانی و شباهت در طرز بیان ادبی و ویژگی‌های شعر دو شاعر می‌شود؛ به‌همین دلیل بررسی این شباهت‌ها و تفاوت‌های نگرش و ویژگی‌های شعری، حائز اهمیت است. زیگبرت سالمن پراور، استاد دانشگاه آکسفورد و از نامداران ادبیات تطبیقی و مطالعات بینارشته‌ای می‌گوید: «همه‌جا ارتباط است؛ همه‌جا نمونه و مثالی هست. هیچ رخدادی، هیچ ادبیاتی بدون

شناخت ارتباط آن با سیر رخدادها و ادبیات‌ها به درستی فهمیده نمی‌شود» (پراور، ۱۳۹۳: ۱). او در کتاب درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی، تعریفی جامع از مطالعات ادبی تطبیقی به‌دست می‌دهد: «مطالعات ادبی تطبیقی یعنی بررسی وجوه اشتراک و افتراق، منبع الهام یا تاثیر و تاثر بین متون ادبی (از جمله متون نظریه و نقد ادبی) که به بیش از یک زبان نوشته شده باشند، یا مطالعه و بررسی روابط و مراودات ادبی بین دو یا چند جامعه که به زبان‌های مختلف، صحبت می‌کنند» (همان: ١٦).

فروغ فرخزاد شاعر معاصر ایرانی و بلاگا دیمیتروا شاعر ملی و مشهور بلغارستان است. خوانش انتقادی و مطالعه درست شعر این دو شاعر نشان می‌دهد که شعر این دو، دارای چندین لایه و پیام‌های متعدد است؛ از دعوت به تغییرات و جنبش‌های اجتماعی و بهبود شرایط اجتماعی تا فراخوانی به زندگی انسان‌وارانه‌تر و نیز حرکت به‌سوی آزادی و کمال، همگی از مضامین شعر این دو شاعر جریان‌ساز است. هنوز هم جای پژوهش‌های مقایسه‌ای گسترده درباره‌ی اندیشه و ویژگی‌های شعر فروغ با هم‌پایه‌گان او در شعر آزاد جهان معاصر خالی است؛ به‌ویژه پژوهش‌هایی که نه تنها براساس زندگی‌نامه و نامه‌های شاعر، بلکه با تامل و تمرکز بر جهان اشعار او به شناخت اندیشه شاعر دست یابند. در این نوع بررسی‌ها بیش از هرچیز می‌توان به یگانگی اندیشه‌ی بشری رسید؛ این‌که چگونه اندیشه‌ای در جایی از جهان در نگاه و نگرش اندیشمند و یا شعر و جوشش هنری شاعری ارائه می‌گردد و در جایی دیگر از این جهان، همان اندیشه به بیانی دیگرگونه نگاشته می‌شود. با نگاهی به تصاویر و نمادهای مشترک شعر این دو شاعر و با ارائه‌ی شواهد شعر بلاگا و فروغ، درخواهیم یافت چگونه دو شاعری که در فاصله‌ی زمانی نزدیک به یکدیگر اما با فاصله‌ی مکانی بسیار دور زیسته‌اند تا چه اندازه توانسته‌اند از مشابهت‌های تصویری و موتیف‌های شعری مشترک برخوردار باشند.

در کارنامه‌ی شعری بلاگا می‌توان نمونه‌هایی از موفق‌ترین اشعار عاشقانه، اجتماعی و فلسفی را یافت. او در همان حال که شاعر غزل‌سرای ملی لقب گرفته، از پیشگامان شعر آزاد امروز بلغارستان و جهان است. مجموعه‌های شعر آزاد و سپید او در جذب مخاطبان جوان و دوست‌داران شعر نو همان‌قدر موفق است که شعرهای کلاسیک او در جذب طرفداران شعر سنتی موثر بوده است. بلاگا نماینده شعر آزاد جهان در سال های میانی قرن بیستم است. توانایی شگفت او بر شعر و گستردگی دایره‌ی واژگانش سبب شده است که مضامین آزادیخواهی در اشعارش بسیار مؤثرتر از شاعران هم‌پایه وی نمایان شود و مؤثر بیفتد. وی بیش از بیست مجموعه شعر به چاپ رسانیده و «بسیاری از اشعار او مورد توجه آهنگسازان بزرگ قرار گرفته و آثار موسیقایی زیبایی براساس آن‌ها ساخته شده است. بلاگا دیمیتروا به نسل شاعران بعد از خود آموخت که چگونه می‌توان عصیان شاعرانه را با لطافت و ظرافت زنانه آمیخت و جامعه‌ی مردسالار را مورد خطاب و عتاب قرار داد و با کلیشه‌های اجتماعی جنگید». (حسن‌زاده، ۱۳۸۵: ١٤-١٣) شگفت آن‌که در این سوی جهان، فروغ فرخزاد نیز چنین بوده و شعرش همان‌گونه عمل کرده که شعر بلاگا در آن سوی جهان کار کرده است. با آوردن این مختصر شرح احوال بلاگا میتوان فهمید که اهمیت هر دو شاعر در شعر آزاد جهان و سرزمین خودشان کم و بیش به یک اندازه است. شعرهای این دو شاعر، تصویرگر روح پرتلاطم زنی پرعاطفه اما سرکش، مقاوم و سرشار از لطافت روح، ظرافت طبع زنانه و رویارویی تلخی‌ها و خمودگی‌های زندگی است که تمام‌قد ایستاده و هرچه و هرکه را به مبارزه می‌خواند. به‌خوبی می‌دانیم که فروغ فرخزاد زبان انگلیسی می‌دانسته و در محافل ادبی و سفرهای برون مرزی خود، آشنایی خوبی با ادبیات جهان پیدا کرده است؛ اما بلاگا دیمیتروای بلغاری ۱۲ سال پیش از فروغ دیده به جهان گشوده و عمری بسیار کوتاه داشته است؛ بنابراین بعید به‌نظر می‌رسد که این دو در آن روزگار، شعر یکدیگر را خوانده باشند.

وجوه شباهت و تفاوت‌های سبک دو شاعر را می‌توان از سه دیدگاه فکری، زبانی و ادبی مورد بررسی قرار داد. از آن‌جا که این سه منظر بسیار گسترده‌اند، این پژوهش بر آن است تا بررسی مقایسه‌ای خود را در حوزه‌ی اندیشه و ویژگی های شعری متاثر از نوع تفکر دو شاعر، متمرکز سازد و برای نیل به این مقصود ابتدا به معرفی دو شاعر و اندیشه و بینش هنری و ویژگی‌های آثارشان و آن‌گاه بررسی و مقایسه زبان شعری و تخیل در شعر بلاگا و فروغ پرداخته و سپس به ذکر مضامین برجسته شعری آن‌ها خواهد پرداخت، و در پایان بر اساس این بررسی‌ها، وجوه مشترک و متمایز اندیشه و شعر این دو را مشخص می‌کنیم.

پژوهش حاضر، تلاشی برای شناخت هرچه بیش‌تر اندیشه و نگرش جهان شمول فروغ فرخزاد و شعر اوست و در این روند به شناخت بیش‌تر و بهتر مضامین مشترک ادبیات معاصر جهان نیز خواهیم رسید. هر دو شاعر از صاحبان نام و سبک شعر معاصر جهان هستند و ناقدان و نویسندگان بسیاری به آثار آنان توجه ویژه داشته‌اند و کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری نیز در این‌باره نوشته‌اند؛ اما هیچ کتاب، رساله و مقاله‌ی مستقلی تاکنون به مقایسه‌ی اندیشه و شعر این دو شاعر نپرداخته و بلاگا دیمیتروا نیز در ایران بسیار کم شناخته شده است. از دلایلی که زمینه‌ی مقایسه‌ی اشعار این دو شاعر را برای پژوهش حاضر فراهم می‌کند، شباهت دو شاعر در موارد زیر است: هر دو از شاعران معاصرند؛ هر دو از شاعران نوگرا هستند؛ هر دو نماینده‌ی زنان طبقه‌ی روشن‌فکر و از روشن‌فکرترین های زمانه‌ی خویش‌اند؛ هر دو در شرایط دشوار سیاسی و اجتماعی زیسته‌اند؛ هر دو آزادیخواه بوده‌اند.

تاکنون کتابها، رساله ها و مقاله های بسیاری در حوزه ادبیات تطبیقی و مقایسه ای، میان اندیشه و شعر فروغ فرخزاد و شاعران دیگر ملتها انجام شده است؛ اما همه پژوهشهایی که در حوزه زبان و ادبیات فارسی انجام شده است، به مقایسه جنبه های ادبی شعر این شاعر با شعر شاعران مشرق زمین پرداخته اند و قریب به تمامی آنها

شاعران عرب زبان بوده اند و پایان نامه هایی نیز که مربوط به مقایسه فروغ فرخزاد با شاعران مغرب زمین میباشند، همگی در حوزه زبان و ادبیات خارجی هستند. گفتنی است که جز زندگینامه ای کوتاه و دفتری گزیده از اشعار بلاگا دیمیتروا ، هیچ اثری از او به فارسی برگردانده نشده است. البته در اینجا بایسته و به انصاف آن است که قلم توانای بانوی مترجم، فریده حسنزاده (مصطفوی) را ستایش کنیم که نخست بار و تا به این لحظه تنها شناساننده شعر بلاگا دیمیتروا، شاعر توانا و روشنفکر بلغاری به فارسی زبانان بوده است. تاکنون تحلیلها و بحثهای فراوانی درباره شعر فرخزاد انجام شده است و همچنین شعر او با چندین شاعر جهانی مقایسه شده است؛ اما در این پژوهشها به طور مشخص و گسترده به مقایسه تحلیلی اندیشه ها، مضامین و تصاویر شعری او با این شاعران نپرداخته اند. اگرچه در خوانش شعرهای بلاگا دیمیتروا با ترجمه بانو حسن زاده، شعر، تخیل و عاطفه این دو شاعر، در وجوهی، مشابه دیده می شود؛ اما هیچ مقاله ای که به شباهتها و تفاوتهای شعری این دو شاعر پرداخته باشد، یافت نگردید و بنابراین، نگارش این پژوهش ،ضروری و مهم به نظر میرسد.

در حوزه ی ادبیات تطبیقی، پیشتر، بهادر باقری به مقایسه زندگی و شعر امیلی دیکنسون و فروغ فرخزاد و حسن اکبری بیرق به بررسی تطبیقی شعر و اندیشه فروغ فرخزاد و سیلویا پلات همت گماشته اند. مقالات و پژوهش های دیگری در مقایسه با شعر شاعران عرب، تاجیک و... نیز منتشر شده است. پایان نامه های بسیاری در این باره نوشته شده اند. از دیگر پژوهشها در این زمینه باید از مقاله «بررسی تطبیقی کاربرد اسطوره و کهن الگو در شعر فروغ فرخزاد و گلرخسار صفی آوا (شاعر تاجیک)، یاد کرد که در فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشهای ادبیات تطبیقی و در تابستان ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. در یافته های این مقاله که حسن اکبریب یرق و مریم اسدیان آن را نوشته اند، فروغ به صراحت شاعری اسطوره پرداز و اسطوره ساز معرفی شده که به وفور از مضمون های اسطوره ای در هر شکل و ساختاری برای غنای شعر خود بهره

گرفته و گلرخسار صفی آوا، بیشتر، شاعر مضامین اجتماعی دانسته شده است که البته هرجا که به اثبات هویت و ملیت خود می پردازد از مضامین اسطوره ای ملی و حماسی بهره میگیرد. مقاله علمی- پژوهشی دیگر در این زمینه «بررسی تطبیقی درونمایه های اجتماعی مشترک در شعر فروغ فرخزاد و سعاد الصباح (با تکیه بر رویکرد زنانه)» است که در نشریه ادبیات تطبیقی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان و در شماره پاییز و زمستان ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. نویسندگان این مقاله علمی اصغر حبیبی، علی اکبر احمد چناری و زهرا بهمدی می باشند. «تحلیل مقایسه ای اشعار نازک الملائکه و فروغ فرخزاد از منظر نقد اجتماعی» عنوان مقاله دیگری است به نگارش سیده اکرم رخشنده نیا و معصومه نعمتی قزوینی که در شماره بهار و تابستان ۱۳۹۳ و در پژوهشنامه زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده است. از یافته های این پژوهش، آن است که نارضایتی هر دو شاعر از شرایط موجود در جامعه خویش سبب شکل گیری آرمان شهر در فضای فکری و اندیشه آنها شده است؛ اما در نهایت با غلبه احساس یأس و ناتوانی از بهبود شرایط، هر دو شاعر از تحقق آرمان شهر نیز مأیوس می شوند. از پژوهش های انجام شده درباره بلاگا دیمیتروا، مقاله ای است با عنوان «آغازترین نقطه زندگی به سوی پایان» از هانلور شولز که در کتاب هویتهای جدید: جنسیت، ملت و مهاجرت در اروپای معاصر و در صفحات ۲٤۹ تا ۲٦٦ در این کتاب به چاپ رسیده است. در کتابی دیگر نیز با عنوان مرزهای تغییر: شعر اروپای شرقی در دهه هشتاد که والتر، ام ،کامینز آن را در ۱۹۹۳ منتشر کرده، به شعر بلاگا پرداخته شده است. مقاله ای با عنوان «معضلات زن بلغاری مدرن در رمان لیته اثر بلاگا دیمیتروا» در کتاب ادبیات و سیاست در اروپای، شرقی مشتمل بر مقالات انتخاب شده از چهارمین کنگره جهانی مطالعات شوروی و اروپای شرقی، از هاروگیت در ژانویه ۱۹۹۲ به چاپ رسیده است. این مقاله تلاشی است برای طراحی تعدادی از اصول حاکم بر اثر بلاگا دیمیتروا که ما به طور ویژه نگاهی به مؤلفه هایی

داشت هایم که به عنوان مؤلفه های فمنیستی در رمان لیته اثر بلاگا دیمیتروا تعریف شده اند.

معرفی فروغ فرخزاد

زندگینامه

فروغ فرخزاد، شاعر معاصر، در پانزدهم دی ماه سال ۱۳۱۳ شمسی برابر با ۱۹۳٤ میلادی در تهران و در خانواد ه ای از طبقه متوسط به دنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در تهران گذراند. پدر وی افسر ارتش و فردی بود که بنا به گفته فروغ، شخصیتی مستبد داشت؛ اما او برخلاف خلق و خوی مستبدش، اهل مطالعه و کتابخوانی بوده و به شعر علاقه داشته است. انس و الفت پدر فروغ با اشعار سعدی و حافظ و گوش سپردن های فروغ به صدای شعرخوانی پدر ،سبب ساز آشنایی ابتدایی فروغ با شعر و شاعری بوده و این گونه است که فروغ از همان نوجوانی سرودن شعر را آغاز میی کند. آشنایی با ابراهیم گلستان و همکاری با مؤسسه ساخت فیلم گلستان نقطه عطفی در زندگی و فعالیت هنری و ادبی فروغ است. او در سال ۱۳۳۷ به انگلستان می رود و در یکی از رشته های سینما تحصیل می کند. آن سالها که فروغ با مؤسسه فیلم گلستان همکاری دارد، شعر و شهرت اش کمالی روزافزون می یابد. «ادبیات فارسی سالها باید در انتظار بماند تا چهره ای به مانند فروغ بر صحایف پریشان و آشفتهی آن –که میدان ادعاهای بیجا و آشفته کاری های متشاعرچگان پیر و جوان است – بتابد و چه دیر خواهد بود تا چهره ای چون او در شعر ما روی نمایدا» (شفیعی کدکنی،۱۳۹۰: ٥٦٦).

اندیشه و بینش هنری

فروغ فرخزاد شاعری خاص با ویژگیهای منحصر به فرد در تاریخ ادبیات ماست. شعرهایش به ویژه در دو دفتر آخر، بازتاب رنجها، دردها و تشویش های انسان امروز است و نمایانگر اندیشه و بینش هنری و ادبی ناب اوست. «شعر برای فروغ دریچه ای بود که او را با «هستی» مرتبط می ساخت. چیزی برای توجیه بودن خود و یافتن خود.» (همان: ۲۱). او زنی است خودساخته که هرچند در راه هدفش که رساندن شعر و افکارش به گوش مخاطبان f,n، رنج بسیار کشید اما درنماند و در خود نماند و از شعری که روایتگر دغدغه های فردی است، به شعر راوی دغدغه های اجتماع رسید و همین شمول فراگیر، سبب شد که شعرش جهانی شود. او، خود معتقد است: «کسی که کار هنری میکند باید اول خودش را بسازد و کامل کند، بعد از خودش بیرون بیاید و به خودش مثل یک واحد از هستی و وجود نگاه کند تا بتواند به تمام دریافتها، فکرها و حسهایش یک حالت عمومیت ببخشد.» (همان، ۱۳۷۹: ۲۲).

آثار

نخستین مجموعه شعر او در سال ۱۳۳۱ و در سن هجده سالگی، زیر عنوان «اسیر» منتشر شد. این مجموعه شامل ۱۱ قطعه شعر است و شجاع الدین شفا بر آن مقدمه ای نوشته است. دومین مجموعه از شعرهای او در سال ۱۳۳۵ با عنوان «دیوار» و سومین مجموعه از شعرهای فروغ نیز زیر عنوان «عصیان»، یک سال بعد و در سال ۱۳۳٦ چاپ و منتشر شد. مجموعه دیگر اشعار وی در سال ۱۳٤۳ با نام «تولدی دیگر» زمانی به انتشار رسید که هم شهرت و هم شعر و هنر فروغ کمالی روزافزون یافته بود و با «تولدی دیگر» ظرفیت های تازه ای از زبان و شعر فارسی و هنر منحصر به فرد خویش را آشکار کرده بود. پنجمین و آخرین مجموعه از اشعار او با نام «ایمان بیاوریم به آغاز

فصل سرد» پس از مرگ زودهنگام و دردناک این شاعر بی بدیل منتشر شد و توانایی و نبوغ شگفت آور او را بیش از پیش نمایاند. فروغ فرخزاد در کنار شعر، کارها و آثار دیگری نیز داشته است. او همکاری کوتاه مدتی در دوبله فیلمهای ایتالیایی به فارسی داشته که به دنبال فراگیری این زبان در سال ۱۳۳۵ اتفاق افتاد .

سپس در سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ با مؤسسه فیلم گلستان به عنوان دستیار و تدوینگر در ساخت پنج قسمت از فیلمهای مستند «چشم انداز» همکاری داشت. در سال ۱۳٤۰، بازی در فیلم «خواستگاری» به کارگردانی ابراهیم گلستان را نیز در کارنامه هنری خود به جای گذاشت و آنگاه کارگردانی و تدوین فیلم را به طور مستقل تجربه کرد. بعد از آن، تجربه همکاری در دوبله فیلم مهر هفتم ساخته اینگمار برگمن به سرپرستی پرویز بهرام را داشت و چندی بعد، دو فیلم کوتاه تبلیغاتی برای مؤسسه کیهان و کارخانه روغن سازی پارس ساخت. فروغ فرخزاد، فیلم «خانه سیاه است» را نیز که به موفقیت های چشمگیری در جامعه جهانی نائل آمد، در سال ۱۳٤۱ ساخت. این فیلم درباره وضعیت زندگی بیماران جذامی بود. فیلم «خانه سیاه است» سال بعد، در ۱۳٤۲ جایزه بهترین فیلم مستند از جشنواره جهانی اوبر هاوزن را برای فروغ به ارمغان آورد. همان سال او بازی در تئاتر را نیز تجربه کرد و در نمایش «شش شخصیت در جستجوی نویسنده» نوشته لوییجی پیراندللو به ترجمه و کارگردانی پری صابری ایفای نقش کرد.

ویژگی آثار

نگرش فروغ در دوره های مختلف زندگی و شعرش متفاوت و در حال تغییر بوده است. از اسیر، دیوار و عصیان تا به تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، جهان بینی و هستی شناسی فروغ دستخوش تغییری رو به رشد و کمال است و خود می داند و میخواهد که به درک واقعی تری از زندگی برسد و به فراخور این حرکت، نگاه او به زندگی، مرگ و زوال نیز دست خوش تغییر است. گاهی مرگ را حقیقتی

تلخ میداند که تاریکی و ناشناختگی اش سبب هراس و دلهره می شود و گاه آنرا تولدی دوباره می انگارد.

شعر و شاعری فروغ دو دوره دارد و در بررسی شعرش، گویی با دو شاعر از دو جهان دور از هم روبه رو هستیم: شاعر دوره نخست، با سه مجموعه شعر «اسیر»، «دیوار» و «عصیان»؛ شاعر دوره دوم، با دو مجموعه «تولدی دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد». شعرهای دوره نخست، حاصل جسارتی بی همتا در بیان احساسات و عواطف فردی و بی پروایی، راستی و صراحت شاعری است که شهرت زودهنگام اش را مدیون همین صداقت و بی پروایی است. در دوره دوم اما همین صداقت و بی پروایی دست به دست اندیشه و بینشی نو می دهد تا ما با اشعاری شگرف در زبان، بیان و شیوه تصویرسازی و تخیل گرایی رو به رو باشیم که اگرچه ساده و روشن می نمایند، اما سرشار از رمز و معانی ژرف اند. بنابراین او با دو دفتر آخرش، نه فقط به بی پروایی، بلکه به توانایی و استعداد برجسته اش در هنر شاعری شناخته می شود؛ به طوری که در دفتر شعر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد چند شاهکار شعر معاصر را برای ما به یادگار می گذارد.

معرفی بلاگا دیمیتروا

زندگینامه

بلاگا دیمیتروا از شاعران برجسته بلغاری است. او حدود دوازده سال پیش از فروغ فرخزاد، «در سوم ژانویه ۱۹۲۲ در بلغارستان زاده شد. در ۱۹٤۱ تحصیلات متوسطه را در رشته ادبیات کلاسیک به اتمام رساند و در ۱۹٤۵ از دانشگاه صوفیا در رشته زبان شناسی فارغ التحصیل شد. در ۱۹۵۱ دکترای خود را از دانشگاه مسکو گرفت. در سالهای دهه پنجاه برای نشریات گوناگون و مؤسسات انتشاراتی به عنوان سردبیر و ویرایشگر کار میکرد؛ اما فعالیت حرفه ای او نوشتن بود.» (حسن زاده، ۱۳۸۵: ۱۲).

بلاگا مادری معلم و پدری وکیل داشت. او در دهه ۱۹۷۰، چهارده جلد کتاب شعر نوشت که همه آنها از سوی انتشارات دولتی رد شدند و هیچ دلیل مشخصی نیز برای این مسأله مطرح نشد. دیمیتروا در طول جنگ ویتنام بارها به عنوان روزنامه نگار به این کشور سفر کرد و در سال ۱۹٦۷ سرپرستی یک کودک ویتنامی را به عهده گرفت. او چندین اثر مربوط به مشاهدات اش در ویتنام منتشر و با یک منتقد ادبی به نام واسیلف ازدواج کرد. بلاگا آثار ارزشمند هنری و ادبی و زندگی پرثمری داشته است. او «که از محبوبترین و پرمایه ترین نویسندگان اروپای شرقی به شمار میرود و آثارش به زبان های مختلف دنیا ترجمه شده است، در سالهای طولانی حکومت رژیم کمونیستی تندروی بلغارستان، رهبر سرسختترین گروه مخالف دولت بود و زندگی خود را وقف دفاع از حقوق بشر و اصلاحات سیاسی کرد.» (حسن زاده، ۱۳۸۰: ۷۵).

اندیشه و بینش هنری

برای او، کلمه همه چیز است. نوشتن و سرودن شعر برای بلاگا چنان است که زندگانی بدون آن، برایش کابوسی تمام نشدنی می نماید. «کلمات، برای بلاگا بسیار عزیزند زیرا در دنیای ممنوعیت ها، تنها به واسطه آنهاست که او می تواند خودش باشد. «در شعر «دریای ممنوعه» می گوید: «**اگر از کلمات منعم کنند، چگونه عطشم را فروبنشانم؟...**» این از همه چیز برای او ترسناک تر است. تصویرهای مکرر زبان بریده شده، جدا شده و زندانی در قفس دهان، کابوس هایی ست که هرگز دست از سر شعر او بر نمی دارند:

چگونه روا داشتی زبان تو/ وحشی، رام نشده، رمیده/ از حصار دندان/ دست آموز گردد؟/ .../ رسالتش، جوشش ناگاه/ در خون خویش/ غرشی در آستانه انفجار/

دژخیم خود/ سخت خود را میگزد/ سکوت جاری میشود/ پشت دندانها، زبان خونچکان! (از شعر در زندان دهان).

آثار

بلاگا دیمیتروا شاعر و رمان نویس مشهوری است که آثارش به بلغاری و انگلیسی منتشر شده و از کتابهای او که به انگلیسی به چاپ رسیده است، می توان به «از آنجا که دریا سیاه است»، «آخرین عقاب سنگ» یا «آخرین عقاب صخره» و نیز «سفری به خویشتن» نام برد. از او آثاری نیز به فرانسه و آلمانی منتشر شده است. بلاگا آثار ارزشمند بسیاری دارد. «او بیشتر از ۲۰ مجموعه از اشعار خود را به چاپ رسانیده که بسیاری از آنها مورد توجه آهنگسازان بزرگ قرار گرفته و آثار موسیقایی زیبایی براساس آن ها ساخته شده است. وی همچنین مترجم آثار ادبی از لهستانی، آلمانی، فرانسه و لاتین است . علاوه بر مجموعه های شعر، رمانهای متعددی نیز تألیف کرده است که از آن میان می توان نام برد: «سفر به خود» که در سال ۱۹٦۹ به انگلیسی ترجمه و منتشر شد، رمان «انحراف» که فیلم ساخته شده بر مبنای آن جایزه فستیوال بین المللی ونیز را از آن خود کرد و رمان «چهره» که به علت مضمون ضد کمونیستی آن، سالها مغضوب و مطرود بود.» (حسن زاده، ۱۳۸۰: ۷٤).

با همه اهمیت و نقش تأثیرگذار شعر دیمیتروا در ادبیات بلغارستان و غرب، متأسفانه تاکنون پژوهشی به زبان فارسی و یا در حوزه ادبیات تطبیقی درباره وی و آثارش انجام نشده است؛ هرچند او در کشورهای بسیاری شناخته شده است.

ویژگی آثار

بلاگا دیمیتروا نماینده شعر آزاد جهان در سالهای میانی قرن بیستم است و برای مدت چهار دهه به عنوان یکی از شاعران برجسته بلغارستان مطرح بوده است. «در کارنامه شعری او می توان نمونه هایی از قویترین و موفقترین اشعار عاشقانه، اجتماعی، فلسفی و سیاسی را یافت. او در عین تسلط داشتن به وزن و قافیه و ملقب شدن به شاعر غزل سرای ملی، یکی از پیشگامان شعر آزاد امروز بلغارستان و جهان است و دفاتر شعر آزاد و سپید او در جذب مخاطبان جوان و طرفداران شعر نو همانقدر موفق است که شعرهای کلاسیک او در جذب طرفداران شعر سنتی بوده است...» (همان: ۱۲).

بلاگا دیمیتروا سهم ارزنده ای در جریان سازی و تحولات ادبی کشورش دارد، وی از نیمه دوم قرن بیستم، «وجدان شعر بلغارستان بوده است، بازسازنده و احیاگر زباناش، او به تنهایی باری را بر دوش کشیده و کاری را به انجام رسانده که در غرب به تدریج و به همت نسل های متمادی صورت میگیرد.» (همان: ۱۵). حسن زاده در مقدمه ای که در ابتدای گزیده اشعار بلاگا دیمیتروا نوشته است، می آورد: «در فرهنگ آثار که به معرفی مهمترین آثار مکتوب ملل جهان میپردازد، میخوانیم: «رمان بهمن اثر خانم بلاگا دیمیتروا، رمانی شعرگونه و به خوبی مبین شعر امروزین بلغارستان است که دیمیتروا طی سالهای ۱۹۶۰ بنیاد نهاد. نویسنده با الهام از فن سینمایی و تحقق شکل های کوتاه نوع داستانی و استفاده از روایت های دور با وجه غالب روانشناختی و فلسفی، روایت به صیغه اول شخص را بر می گزیند و بدینگونه به تجلی ضمیر ناهشیار کمک می کند، این اثر که از پویایی خاص و غنای استعاری بسیاری برخوردار است، سندی درباره روح و روان دوران ما به شمار میآید.» (حسن زاده، ۱۳۸۵: ۱۳).

زبان شعری فروغ و مقایسه آن با زبان شعری بلاگا

روشنی و سادگی زبان

هر اندازه که شعر از کلی گویی و کلی بافی دور و به مسائل انسانی نزدیکترشود، درواقع به ذات و جوهر شعر نزدیکتر شده است. این موضوع روی هم رفته زبانی برای شعر می سازد که روشن و ساده است؛ اما در پس این سادگی می توان سختترین حرفها و عمیقترین مسائل را با مخاطب در میان گذاشت. فروغ در این باره گفته است: «یکی از خصوصیات شعر دوره ما، این است که به جوهر شعری نزدیک شده، از صورت کلی گویی درآمده و به زندگی، به آدم، به مسائل انسانی نزدیک شده...

صراحت

فروغ و بلاگا شعرهای مؤثر و ماندگاری دارند که از شاهکارهای ادبیات معاصر به شمار می روند. این مانایی شعر آنها، بیش از هرچیز به دلیل صراحتی است که در شعرشان موج میزند. آن ها – آنجا که باید – بی محابا و گاه حتی تند و گزنده حرفشان را میزنند و حاشیه نمی روند.

اشعاری با چنین ویژگی البته در شعر فروغ بسی بیشتر به چشم میخورد.

آیا شما که صورتتان را/ در سایه نقاب غم انگیز زندگی/ مخفی نموده اید/ گاهی به این حقیقت یأس آور/ اندیشه میکنید/ که زنده های امروزی/ چیزی بجز تفاله یک زنده نیستند؟ (فرخزاد، ۱۳۷۹: ۳۷۳).

جنازه های خوشبخت/ جنازه های ملول/ جنازه های ساکت متفکر/ جنازه های خوش برخورد، خوش پوش، خوش خوراک/ در ایستگاه های وقت های معین/ و در زمینه مشکوک نورهای موقت/ و شهوت خرید میوه های فاسد بیهودگی (فرخزاد، ۱۳۷۹: ٤۳۷).

نماد و نمادپردازی

نماد از شاخص ترین ابزارهای بروز خلاقیت شاعران معاصر است. شعر فروغ فرخزاد، هم از نظر فراوانی و گستردگی انواع نماد و هم از نظر آفرینش نمادهای جدید، اهمیت شایانی دارد.

همین ویژگی در شعر بلاگا دیمیتروا شاعر بلغاری هم عصرش نیز دیده می شود. با نگاهی تطبیقی و مقایسه ای به شعر این دو شاعر – از رهگذر طرح شباهتها و تفاوتهای نمادپردازی – نتیجه میگیریم که از نظر تخیل، عاطفه و نیز تفکر و نگاه فلسفی، به ویژه به زندگی و زوال، کار این دو شاعر، شباهت های قابل ملاحظه ای دارد. در شعر هر دو شاعر بیشتر تصاویر و نمادها نشانگر فردیت شاعر و نگاه مستقل ادبی وهنری ایشان است؛ نیز نمایانگر کوششی است که این دو شاعر خلاق، حساس و روشنفکر برای رشد دایره تصاویر و بیان شاعرانه انجام داده اند. شعر فروغ فرخزاد هم از نظر فراوانی و گستردگی به کارگیری تصاویر زوال و تقابل آن با زندگی و هم از نظر تصاویر خلاقانه و به کارگیری نمادهای تازه در این حوزه بسیار برجسته است. این موضوع تا به اندازه ای است که به شکل شاخص های سبکی در شعر فروغ رخ می نماید.

با نگاهی به تصاویر و نمادگونه ای مشترک شعر این دو شاعر و با ارایه شواهد شعر بلاگا و فروغ، درخواهیم یافت چگونه دو شاعری که در فاصله ی زمانی نزدیک به یکدیگر، اما با فاصله ی مکانی بسیار دور و قریب به یقین بی خبر از وجود یکدیگر، زیسته اند، تا چه اندازه توانسته اند ازمشابهت های تصویر شعری برخوردار باشند. این موضوع که این دو شاعر بسیاری از تصاویر خود را به یاری نماد و نمادگونه ها آفریده اند، افزون بر گرایش آنها به سمبولیسم و تأثیرپذیریشان از آن، اینطور که پیداست به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی خاصی است که این شاعران در آن زیسته اند.

سمبولیسم اجتماعی، محتوایی اجتماعی، فلسفی و روشن بینانه دارد «شعری که هدف آن بالا بردن ادراک و بینش هنری و اجتماعی است و غالباً پیامی اجتماعی و انسانی در آن بازگو می شود؛ شعری که هم با احساس خواننده سر و کار دارد و هم با ادراک و اندیشه او در تماس است و می خواهد خواننده چشم و گوش خود را باز کند و همه چیز را ببیند و حس کند. از اینرو مسأله فرد از میان می رود و هرچه هست اجتماعی است. در این نوع شعر حتی عشق که نوعی گرایش فردی است جنبه و روح اجتماعی پیدا میکند»(زرینکوب، ۱۳۵۸: ۱۲۳).

الف. شباهتها

۱- در خوانش و بررسی شعر فروغ فرخزاد و بلاگا دیمیتروا، نگاه نگران و پرسشگر آنها به هستی، زوال، مسئله مرگ و زندگی دوباره که سایه ای گسترده بر شعرشان دارد، جلب نظر می کند؛ چنانکه نگاهی همسان و مدرن به همه مظاهر هستی و پدیده های طبیعی، عشق، زندگی، مرگ، درختان، گیاهان و جانوران، زمین، آسمان، روز و شب، تابستان و زمستان و...، وجود دارد. از مهمترین دلایل این قرابت ،عاطفه زنانه حاکم بر جان و جهان شعری و زیست دو شاعر است.

۲- اصلی ترین آبشخور بینش و اندیشه هر دو شاعر، نه متون ادبی ملی و کلاسیک، بلکه اندیشه های جهانی و مسائل روز اجتماعی و سیاسی کشورشان است که خود را با به کار گیری نمادهای مشترک اروپایی و غربی در کنار آفرینش نمادها و رمزهایی منحصر به فرد، آشکار می کند. این قرابتها و شباهتهای نماد و نشانه در شعر دو شاعر، تأثیرپذیرفته از آشنایی شان با شعر اروپا است. این موضوع نیز به سبب دانستن زبانهای مختلف و شعرهای برون مرزی دو شاعر بوده است که در کنار دغدغه های نوع دوستانه و متأثر بودنشان از جنبش های اجتماعی و سیاسی به یگانگی و وحدت در برخی کارکردهای نمادها انجامیده است.

۳- هر دو شاعر، زنانی عاصی از ستم دوران و ظلم زمان هستند و رنجور از جور زمانه، خواهان و آرزومند جهانی آرمانی و آینده ای روشن و به سامان اند تا شاهد آزادی و عزت انسان باشند.

٤- عصیان دو شاعر و اضطراب پیوسته آن دو از فرجام کار هستی و نوسان میان بیم و امید به زندگی دوباره، ریشه در ناخودآگاه جمعی بشر و آرکی تایپهایی دارد که در همه جای اشعارشان سرک می کشد.

٥- هیچ یک از دو شاعر نمی توانند ذهن خود را از چنبره اندیشه زوال و مرگ و نیستی برهانند؛ به طوری که حتی روشن ترین مضامین عاشقانه و غنایی و آنجا که از جوانی، دوستی، خاطرات کودکی، آزادی، عشق به مادر، فرزند، یار و...، سخن می گویند، باز هم در دایره اندیشه حاکم بر جانشان که هراس از نیستی است، گرفتار می آیند.

٦- فروغ و بلاگا آنگاه که شعرشان از مضامین اسطوره ای حکایت میکند، گاه از روحیه ای قوی و نیرومندتر برخوردارند. بلاگا خود را پرومته ای مینامد که کلمه را از خدایان دزدیده و روی در روی آنها ایستاده است، و فروغ در عصیان بندگی، روی در روی آفرینش می ایستد و چالشی عاصیانه برمی انگیزد.

۷- بیشتر نمادهای هر دو شاعر بیان فردیت است؛ فردیتی که خود را و سوژه را جزئی از کل جامعه و جهان گرفته است و برای بیان این فردیت از نمادهای موجود و بدیع خود در راه و رسمی که می خواهند، بهره می جویند.

۸- در نمادهای فروغ فرخزاد و دیمیتروا، نگاه زنانه مستقل است؛ اما در کنار بیان دل مشغولی های خاص جنس خود، شاهد نگرشی ژرف و نکته بین و روانشناسانه هستیم.

ب. تفاوتها

۱- شعر فروغ بیشتر اجتماعی و شعر بلاگا بیشتر فلسفی است.

۲- هر اندازه که فروغ، شعرش را بر بستر مضامین اسطوره ای می گستراند و از مؤلفه های اساطیری بهره می جوید، بلاگا بیشتر مضامین سیاسی را با سمبولیسم اجتماعی پیوند زده و تصاویر شعرش را میآفریند.

۳- تصاویر شعر فروغ در مقایسه با شعر بلاگا، تاریکتر و نومیدانه تر هستند.

٤- در خوانش و بررسی شعر دو شاعر، تأثیر اندیشه های فمنیستی در افکار آزادی خواهانه و مضامین همسو با این اندیشه ها، در شعر فروغ به یقین، آشکار است اما به نظر میرسد افکار آزادیخواهانه بلاگا نتیجه اندیشه های فمنیستی و مبارزات او برای تساوی حقوق زنان در جامعه نبوده بلکه آزادیخواهی برای او تقریباً فراتر از مسأله جنسیت است.

نتیجه گیری

در بررسی و تطبیق اشعار و سروده های این دو شاعر ادبیات معاصر فارسی و بلغاری، می توان به مواردی از اشتراکات اندیشه و بینش، زبان و تخیل و نیز مضامین مورد علاقه ایشان اشاره کرد. همچنین با بررسی مقایسه ای این دو به مفهوم وحدت اندیشه بشری میرسیم چرا که درد و صدای مشترک انسانها می تواند نشانگر نزدیکی و یگانگی ناخودآگاه بشری باشد. عواملی مانند جنسیت یکسان و همزمانی فروغ و بلاگا، در مشترکات مضمونی شعر دو شاعر تأثیر داشته است. این دو شاعر از اندیشه های اجتماعی و سیاسی جهانی، تاثیر پذیرفته اند و این مهم در نماد های یکسان یا مشابه مورد استفاده در شعرشان کاملا مشهود است. هر یک از دو عامل ناخودآگاه جمعی بشر و شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی وطن و زمانه فروغ و بلاگا بر رویکرد، شیوه تفکر و ویژگیهای شعری این دو تاثیرگذار بوده است. اندیشه های فمنیستی و افکار

آزادی خواهی بر مشابهت های مضمونی و نمادهای مشترک در شعر فروغ فرخزاد و بلاگا دیمیتروا تاثیرگذار بوده است.

فهرست منابع

احمدی، بابک، (۱۳۹۱)، ساختار و تأویل متن، تهران، نشر مرکز.

آزاد تهرانی، محمود مشرف‌الد ین (م. آزاد)، (۱۳۷٦)، پریشادخت شعر، زندگی و شعر فروغ فرخ‌زادچاپ، او ل، تهران، نشر ثالث.

اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، (۱۳۸۷)، اسطوره بیان نمادین، تهران، نشر سروش.

اکبری بیرق، حسن، (پاییز و زمستان ۱۳۸۸)، »بررسی تطبیقی شعر و اندیشه‌ی فروغ فرخ‌زاد و سیلویا پلات«، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۲، شماره‌ی پیاپی ۲۱۱، صص ٤٤-۲۰.

ـــــــــــــــ ، مریم اسدیان، (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، »بررسی تطبیقی کاربرد اسطوره و کهن‌الگو در شعر فروغ فرخ‌زاد و گلرخسار صفی آوا (شاعر تاجیک)«، دو فصلنامه‌ی علمی و پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره‌ی ۲، شماره‌ی پیاپی ۳، صص ۱۹۲-۱٦۱.

آموزگار، ژاله، (۱۳۹۲)، تاریخ اساطیری ایران، چاپ پانزدهم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

بهار، مهرداد، (۱۳۷٦)، پژوهشی در اساطیر ایران، ج ۲، تهران، نشر آگاه.

پراور، زیگبرت سالمن، درآمدی بر مطالعات ادبی تطبیقی، به ترجمهی علی‌رضا انوشیروانی ومصطفی حسینی، (۱۳۹۳)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، سمت.

جلالی، بهروز، (۱۳۷۷)، جاودانه زیستن در اوج ماندن، چاپ سوم، تهران، انتشارات مروارید.

حقوقی، محمد، (۱۳۷۷)، مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران‌چاپ، اولμل، جلد دوم (شعر)،]مجموعه فنون و مفاهیم ادبی[، تهران، انتشارات قطره.

ـــــــــــــــ ، (۱۳۸٤)، شعر زمان ما (فروغ فرخ‌زاد)، تهران، نشر نگاه.

پاکباز، رویین، (۱۳۹۳)، دایره‌المعارف هنر، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.

پورنامداریان، تقی، (۱۳۷٤)، سفر در مه، تهران، انتشارات زمستان.

دیمیتروا، بلاگا، (۱۳۸۵)، شاعر ملی بلغارستان، مجموعه‌ی شاعران برتر جهان معاصر (۱)، متن دوزبانه، ترجمه‌ی فریده حسن‌زاده، تهران، نشر علم.

زرقانی، مهدی، (۱۳۹٤)، چشم‌انداز شعر معاصر ایران، جریان‌شناسی شعر ایران در قرن بیستم، چاپ پنجم، تهران، نشر ثالث.

زرین‌کوب، حمید، (۱۳۵۸)، چشم انداز شعر فارسی، تهران، نشر توس.

زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۸)، نقد ادبی، تهران، انتشارات علمی یا امیرکبیر.

ستاری، جلال، (۱۳٦٦)، رمز و مثل در روانکاوی، چاپ‌او,ل، تهران، نشر توس.

شایگان، داریوش، (۱۳۸۱)، بت‌های ذهنی و خاطره‌ی ازلی، تهران، نشر امیرکبیر.

شعر زنان جهان، (۱۳۸۰)، گزیده و ترجمه‌ی فریده حسن‌زاده،چاپ اولμل، تهران، انتشارات نگاه.

شفیعی‌کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران، نشرسخن.

شمس‌لنگرودی، محمد، (۱۳۷۰)، تاریخ تحلیلی شعر نو، ج ۱، تهران، نشر مرکز.

شمیسا، سیروس، (۱۳۷٤)، نگاهی به فروغ، چاپ دوم، تهران، انتشارات مروارید.

ـــــــــــــــ ، (۱۳۸۱)، نقد ادبی‌چاپ، او ل، تهران، انتشارات فردوس.

ـــــــــــــــ ، (۱۳۹٤)، بیان، تهران، نشر میترا.

مرادیکوچی، شهناز، (۱۳۷۹)، شناخت‌نامه‌ی فروغ فرخزادچاپ، او,ل، تهران، نشر قطره.

شوالیه، ژان، آلن گربران، (۱۳۸۵)، فرهنگ نمادها، ترجمه‌ی سودابه فضایلی، تهران، نشر جیحون.

فتوحی رود معجنی، محمود، (١٣٨٦)، بلاغت تصویر، چاپ‌اول، تهران، انتشارات سخن..

فرخزاد، فروغ، (١٣٧٩)، دیوان اشعار فروغ فرخزاد، با مقدمه‌ی بهروز جلالی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مروارید.

کمبل، جوزف، (١٣٧٧)، قدرت اسطوره، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.

لافورگ، رنه و رنه آلندی، (١٣٧٤)، اسطوره و راز، با ترجمه‌ی جلال ستاری، تهران، انتشارات سروش.

منابع انگلیسی

Dimitova, blaga,(1992),"The last Rock Eagle", selected poems of Blaga Dimitrova, translated by Brenda Walker, Vladimir Lenchev, Belin Tochev, Forest Books, Originl from the university of Michigan. Digitized Apr 22, 2008,]introduction by Alexander Shurbanov.

Guerin, w.l.(1978), E.G.Labor, L, Morgan, & J.R. Willingham, " A Handbook of critical approaches to literature ٢nd edition, N.Y, Harper & row ."

Meredith, William,(1990),"Poets of bulgaria", Forest books . -Perrine. Laurence, (1993)," literature, poetry, the elements of poetry, Sothern Methodist Universtiy."